

واکاوی و تبیین گام دوم انقلاب در راستای جوان‌گرایی در تمدن نوین اسلامی

علی علیزاده/ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه علامه حلی چالوس/ عضو پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم تحقیقات

alibala809@gmail.com  orcid.org/0000-0002-1794-3983

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۳۱

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان، که به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. از حیث روش تحقیق، نوشتار پیش‌رو به‌شیوه تحلیلی به تبیین گام دوم انقلاب در راستای جوان‌گرایی در تمدن نوین اسلامی می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن بود که در هر جامعه و کشوری اعتماد به جوانان، پیشرفت و توسعه سرزمینی را در پی دارد؛ درحالی‌که این مهم امروزه به فراموشی سپرده شده است. طبق بیانات رهبری در گام دوم انقلاب، از وجود جوانان و نخبگان کشوری باید برای برنامه‌های مدیریتی و اجرایی کشور استفاده کرد. نتیجه تحقیق آنکه بنا بر موارد ذکرشده براساس بیانیه گام دوم انقلاب باید همچون اوایل انقلاب از نیروی جوان برای تغییر و تحول اساسی مسائل کشوری استفاده کرد و با اعتماد به نسل جوان و فرصت دادن به آنها، در راه آبادانی کشور و رفاه مردم گام برداریم.

کلیدواژه‌ها: انقلاب، جوان‌گرایی، تمدن نوین اسلامی، گام دوم انقلاب.

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که گرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند، اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به‌دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی - ارواحنا فداه - است، نزدیک خواهد کرد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷).

در تمامی جوامع پیشرفته، توجه به نخبه‌گرایی و فراهم‌سازی تسهیلات و امکانات لازم آموزشی برای جوانان، امری مهم و ضروری است. حماسه‌آفرینی و نقش بی‌بدیل جوانان در دوران انقلاب اسلامی و عمر چهل‌ساله انقلاب، بر کسی پوشیده نیست. بدون شک، جوانان همان‌گونه‌که در پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری آن نقش بسزایی داشتند، در تداوم انقلاب اسلامی و تثبیت آن نیز نقش محوری دارند و همراهی آنان تضمینی برای آینده انقلاب اسلامی و پیشبرد اهداف آن در تمام زمینه‌ها خواهد بود (ابراهیمی کیایی و بوذری‌نژاد، ۱۳۹۰).

آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در طول سال‌های پس از انقلاب در مسئولیت‌های مختلفی که داشتند، دائماً بر استفاده از نیروی جوان خلاق و کارآمد تأکید می‌کردند و خود نیز با اعتمادی که به جوانان داشتند، وظایف خطیری را به آنان محول می‌کردند. ایشان اعتقاد دارند که از ابتدای انقلاب، جوانان همواره به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند و هر زمان که به آنها اعتماد شده و فرصتی به آنان داده شده است، حماسه‌ها و افتخارات بسیاری برای کشور آفریده‌اند. ایشان به نسل جوان اعتماد و اعتقاد ویژه‌ای دارند و معتقدند که آینده انقلاب اسلامی ایران با تلاش و کوشش این قشر رقم می‌خورد و محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی، جوانان هستند. جوانان محور اصلی این بیانیه‌اند و رهبر انقلاب برای گام دوم، مأموریت‌هایی به آنها دادند؛ از جمله تلاش برای توسعه و گسترش علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی. بنا بر اهمیت موضوع، از نظر ایشان برای پیروزی و سربلندی در چهل ساله دوم انقلاب دستاوردها و زیربنای لازم فراهم شده و این وظیفه جوانان است که کشور را به‌سوی یک جامعه آرمانی که با حکومت اسلامی مطابقت دارد و آن آرمان، تمدن نوین اسلامی است، پیش ببرند (همان).

تمدن‌سازی را می‌توان تلاش و کوشش ملت یا جامعه صاحب تمدن در جهت ایجاد مقبولیت عمومی - حتی در سطح جهانی - از تمدن مدنظر خود و استفاده از دستاوردهای آن دانست؛ لذا تمدن‌سازی را می‌توان حرکت هوشمندانه ملت یا بخشی از ملت به‌سوی استقرار دستاوردهای مورد قبول و خواست آنها دانست.

ملت ممکن است خود دارای تمدن باشد، اما تمدن‌سازی نکند؛ و بالعکس، ملتی ممکن است دارای تمدنی ضعیف‌تر باشد، اما به‌سوی تمدن‌سازی حرکت کند (گودرزی، ۱۳۹۳). تولد هر تمدن، نتیجه آگاهی و بصیرت تاریخی مجموعه انسانی در مورد ابعاد مادی و معنوی نیازهای خود است. از این‌رو شکل‌گیری هر تمدنی نیازمند دو مؤلفه است: نخست آگاهی جمعی و دیگری تداوم تاریخی این آگاهی. زمانی که این بصیرت تاریخی افول کند، تمدن نیز سیر قهقراپی را در پیش می‌گیرد.

بصیرت تاریخی امکان تداوم تولیدات عینی در آینده را فراهم می‌سازد؛ لذا تداوم آن، شرط لازم توسعه مادی تمدن است. از سوی دیگر، بصیرت تاریخی هر تمدن، پیوسته باید ظرفیت‌های تازه‌ای را در خود ایجاد کند تا بتواند برای شرایط و نیازهای جدید پاسخی بیابد (خرمشاد و آدمی، ۱۳۹۷).

اگر به تمدن با نگاه اسلامی نگریسته شود، قطعاً از تعاریف تمدن، متفاوت‌تر خواهد بود؛ چراکه تمدن اسلامی تمدنی است که در محیط اسلامی و گستره ژئوپلیتیک جهان اسلام در طول تاریخ شکل گرفت و روح و بن‌مایه اصلی آن را اسلام و اندیشه‌های برآمده از وحی شکل می‌داد و عناصر نژادی فراوانی که برخی از آنان غیرمسلمان بودند، در شکل‌گیری آن کوشیدند (رجبی دوانی و خزایی، ۱۳۹۳). تمدن‌سازی نوین اسلامی آخرین مرحله نقشه راه انقلاب اسلامی است که امام خامنه‌ای - مدظله‌العالی - در بیانات خود به آن اشاره کرده‌اند. در این مرحله است که انقلاب اسلامی بعد از توفیقات داخلی موفق می‌شود بازتاب بیرونی پیدا کند و نمونه‌های خارجی خود را به‌وجود آورد. (رحمانی ۱۳۹۵). بنابراین، عبارت تمدن‌سازی نوین که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده، در واقع همان احیای تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه‌ها به آن معطوف شده است؛ یعنی احیای عزت و کرامت انسان مسلمان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و فناورانه، که می‌تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد و تأکید مقام معظم رهبری بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه به‌عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی، تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی است (خسروانی و عین‌القناتی، ۱۳۹۷).

امروزه کمال و هدایت و توجه به توسعه نیروی انسانی در کشورهای پیشرفته دنیا از نکات بسیار اساسی است. از آنجاکه امروزه سرمایه انسانی اصلی‌ترین برآیند و محصول الگوهای توسعه منابع انسانی است، کشورهای پیشتاز و پیشگام نقش خود را در حفظ و ارزش نهادن به نیروی انسانی برای تولید و بهره‌جویی بیشتر قرار داده‌اند. نقش جوانان و نخبگان تصمیم‌ساز در فرایند توسعه سرزمینی، بسیار مهم است (سالاری سرداری و سیدشمالی، ۱۳۹۸). گروهی از صاحب‌نظران دوران جوانی را دوره‌ای از رشد می‌دانند که بین دو دوره نوجوانی و میان‌سالی قرار دارد؛ اما برخی دیگر برای جوانی اهمیت خاص قائل نیستند؛ بلکه آن را دوره گذر از نوجوانی به بزرگسالی یا ادامه نوجوانی

می‌دانند (لطف‌آبادی، ۱۳۷۸). هدف از این تحقیق، تبیین گام دوم انقلاب در راستای جوان‌گرایی در تمدن نوین اسلامی است. بنابراین طبق موارد ذکر شده، بر آنیم تا بار دیگر همچون اوایل انقلاب از نیروی جوان برای تغییر و تحول اساسی مسائل کشور استفاده کنیم و با اعتماد به نسل جوان و فرصت دادن به آنها، در راه آبادانی کشور و رفاه مردم گام برداریم.

۱. مبانی نظری

۱-۱. متن بیانیه

بیانیه گام دوم به‌عنوان نقشه راه آینده جمهوری اسلامی، براساس شناخت وضع موجود و با نگاه‌های پیش‌روی جامعه اسلامی ایران ابلاغ شده است. از محورهای مهم این بیانیه، تأکید بر عدالت به‌عنوان یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی است. از این‌رو، آن‌گونه که در متن بیانیه آمده، لازم است مسیری که جمهوری اسلامی در این حوزه پیموده است، با دقت بررسی و آسیب‌شناسی شود تا زمینه را برای تحقق اهداف بیانیه فراهم آورد. در این قسمت، بخش‌های مهم و مرتبط با بیانیه ذکر شده است.

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است...، اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم.

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به‌شدت تحقیر شده و به‌شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت. در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به‌برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

[امروزه] رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به‌سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت، از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد.

در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده ایران و ایرانی، به‌ویژه جوانان این مرزوبوم، به‌شمار می‌رفته است.

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید. محصول تلاش چهل‌ساله، اکنون برابر چشم ماست: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفت‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانش‌ها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی و ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است؛ و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

جوانان محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به‌گمان زیاد به‌دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند؛ از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند؛ نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه شصت است، فرصت ارزشمندی برای کشور است: ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه پانزده و چهل‌سالگی؛ نزدیک به چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی؛ رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی؛ انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند؛ و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارت‌اند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما بیش از همه چیز، نخستین توصیه من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همهٔ راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجهٔ گرگ است»، خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هر چند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئهٔ خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القا می‌شود.

جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئهٔ واژگونه‌نمایی و لاقط سکوت و پنهان‌سازی، که اکنون برنامهٔ جدی دشمنان انقلاب است، خنثا گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آیندهٔ کشور چشم‌انتظار آنهاست، صریحاً می‌گویم: آنچه تاکنون شده، با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی، کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست؛ اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی، که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به‌شدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت به‌هیچ‌روی مورد قبول نیست. این سخنان، در قالب سیاست‌ها و قوانین بارها تکرار شده است؛ ولی برای اجرای شایستهٔ آن، چشم امید به شما جوان‌هاست؛ و اگر زمام‌دارهٔ بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله.

۱-۲. ضرورت تحقق مطالبات رهبری

اگر به محورهای اصلی این بیانیه نظری عمیق بیفکنیم و تأملی درخور کنیم، فلسفهٔ انقلاب اسلامی و بایسته‌های نظری و عملی آن را می‌توانیم در این بیانیه به‌عیان ببینیم. در این سند مهم، ثمرهٔ انقلاب اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است که ارکان مهم آن استقلال، آزادی، عدالت، معنویت و اخلاق است. اصول رسیدن به این تمدن باشکوه عبارت است از: شکوفایی علم و پژوهش و سبک زندگی اسلامی؛ اقتصاد پویا؛ و محوریت اخلاق در همهٔ ارکان فردی و اجتماعی. برای تحقق این اصول، عقلانیت، تکیه بر مردم (مردم‌سالاری دینی)، امید به آینده، روحیهٔ باورمندی، انقلابی ماندن و جهادی عمل کردن، توجه به اصل تعاون و برادری، و اصل عزت ملی ضروری است. در این میان، بر استفاده از ظرفیت جوانان و نیروی خلاق و پرانرژی و بانشاط آنان، و ارادهٔ ملی به‌طور ویژه تأکید شده است؛ چه آنکه وحدت، قدرت، مشارکت، خلاقیت و مدیریت نوین را برای تمدن اسلامی به‌ارمغان می‌آورد.

بیانیه گام دوم یک سند راهبردی برای گام دوم انقلاب اسلامی است که مقام معظم رهبری به‌عنوان کسی که در شکل‌گیری و تداوم انقلاب نقش تعیین‌کننده داشتند و هم گذشته و هم آینده را به‌خوبی رصد کرده‌اند، با توجه به توانمندی علمی و عملی خودشان، آن را نوشته‌اند و بجاست که همه محققان و اندیشمندان در تبیین این بیانیه تلاش کنند. نکته مهم آنکه مقام معظم رهبری در این بیانیه بیش از همه جوانان را مورد خطاب قرار داده‌اند. جالب است که با توجه به گذشتن چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری در این بیانیه چهل مرتبه از جوانان نام برده‌اند؛ یعنی جوان است که باید با توانمندی خود در چله بعدی این انقلاب، که دوره تثبیت و انتشار است، در این زمینه نقش‌آفرینی کند. هرچند مخاطب اصلی این بیانیه، جوانان‌اند، اما اندیشمندان و تلاشگران و تمام اعضای جامعه باید در مسیر تحقق گام دوم انقلاب تلاش کنند که ان‌شاءالله به سرانجام برسد.

۱-۳. نگاهی به تمدن نوین اسلامی در بیانیه دوم انقلاب از نظر مقام معظم رهبری

درخصوص تعریف تمدن اسلامی نیز تعاریف متعددی وجود دارد. در یک تعریف، تمدن اسلامی تمدن ملت‌هایی است که به‌وسیله دین اسلام و زبان علمی و ادبی آن، یعنی عربی، با یکدیگر متحد شده‌اند. این تمدن با هنر ایرانی، رومی و دیگر جوامع ترکیب شد و تمدنی به‌نام تمدن اسلامی به‌وجود آورد (تاج‌بخش، ۱۳۸۱). بر این اساس، تمدن اسلامی میراث مشترک مردم، ملت‌ها و گروه‌های قومی مختلفی است که در دوره‌های اسلام به سرزمین آنها وارد شده و در پیدایش و شکوفایی آن نقش‌آفرین بوده است. به‌این ترتیب، تمدن اسلامی نه به نژاد خاص و نه به تمدن خاصی تعلق دارد؛ بلکه همه گروه‌های نژادی و قومی را که در شکل‌گیری، رشد، بالندگی و گسترش آن نقش داشته‌اند، شامل می‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۷۶). به‌روروی تمدن اسلامی در آغاز امر، یک اقدام فرهنگی مبتنی بر اسلام بوده که بیشتر بر تحریک احساسات انسانی متکی بوده است (التواجرى، ۱۳۸۶).

عبارت «تمدن نوین اسلامی» که توسط امام‌خامنه‌ای مطرح شده است، درواقع همان بازسازی و بازآفرینی تمدن اسلامی است که با پیروزی انقلاب اسلامی توجه‌ها به آن جلب شد؛ یعنی احیای عزت و کرامت و منزلت انسان مسلمان در کنار استفاده از یافته‌های علمی و فناوری که می‌تواند نویدبخش ایجاد تمدنی نمونه باشد. همچنین ایشان بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی به‌عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی تأکید دارند (اشکوری و موسوی، ۱۳۹۴). آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای تمدن اسلامی را نظام‌واره‌ای می‌داند که زندگی خوب و عزتمند را برای انسان (مخلوق) مهیا می‌کند تا او به‌غایت مورد نظر خدای متعال (خالق) دست یابد. ایشان تمدن اسلامی را در سطح کلان، افق و هدف‌نهایی حرکت امت اسلامی در میان جوامع بشری تعریف و تبیین می‌کنند. البته گویا برای امت اسلامی، تمدن‌های اسلامی (ولی با مشترکات هویتی) قائل‌اند؛ زیرا تنوع ملت‌ها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را در این بحث به‌رسمیت می‌شناسند (بهمنی، ۱۳۹۳). تمدن نوین اسلامی، یعنی احیای تمدن اسلامی براساس الگوهای جدید و مطابق با مقتضیات زمان و مکانی‌ای که در آن قرار داریم و نیز با الگو گرفتن از تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی درگذشته تاریخ و نیز

درس عبرت گرفتن از علل و عواملی که باعث انحطاط آن تمدن شد. علت «نوبین» خواندن آن نیز این است که این تمدن با الگوی جدید و کارآمدتر و با رها کردن نواقص و ضعف‌های تمدن سابق در حال شکل‌گیری است. مراد از تمدن نوبین اسلامی، پیشرفت همه‌جانبه مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بخش سخت‌افزاری از قبیل علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین‌المللی و... و بخش نرم‌افزاری به‌عنوان حاکمیت سبک زندگی در همه مظاهر زندگی، براساس عقلانیت دینی - معرفتی، عقلانیت اخلاقی - حقوقی و عقلانیت ابزاری برای شکوفا کردن مادیات و دنیای مسلمانان در جهت پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی است (خسروانی و عین‌القداتی، ۱۳۹۷).

۴-۱. لزوم اهمیت دادن به جوانان

امام خمینی^ع در همان سال‌های ابتدایی نهضت اسلامی، سربازان خود را کودکان نوزاد داخل گهواره دانستند. همین جمله کوتاه شاید تلنگری جدی برای کسانی بود که در آن دوره خود را سرباز کشور و امام می‌دانستند؛ به‌طوری‌که یاران امام این مأموریت را احساس کردند که نسل انقلاب را آماده کنند و پایه‌های انقلاب را بسازند و ثمره این تلنگر، مدیریت همان کودکان و فرزندان انقلابی شد.

همچنین رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اشاره مستقیم به عملکرد جوانان و آیندگان این کشور داشته‌اند و به‌صراحت گره‌گشایی و آینده روشن را در گرو اعتماد به جوان‌ها و تفویض اختیار به آنها در مسئولیت‌های مختلف کشوری دانسته‌اند و اتکا به جوانان و کارگزاران و اندیشمندان جوان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت را از مهم‌ترین شاخصه‌های گام دوم انقلاب بیان کرده‌اند. البته این جوانان نیز باید از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند و با نگاهی انقلابی و روحیه جهادی، دل به کار بندند و الگویی کامل از نظام پیشرفته اسلامی در تمدن نوبین اسلامی ارائه دهند.

طی مطالعه‌ای درخصوص اعتماد به جوان‌ها از صدر اسلام تاکنون، خواهیم دانست که هر کجا کشورها و دولت‌ها به جوانان خود اعتماد کرده‌اند، حتماً این اعتماد باعث سربلندی آن جامعه و کشور شده است. امیرمؤمنان علی^ع در تمام دوران نوجوانی و جوانی همواره در کنار رسول خدا^ص گام برمی‌داشتند و همیشه با شگفتی‌سازهای خود، بازوی محرک امت اسلامی بودند.

همچنین اگر نگاهی به اوایل انقلاب و جنگ تحمیلی بیندازیم، به‌جد شاهد خواهیم بود که جوانان اثرگذارترین و محرک‌ترین عنصر در تمام ابعاد جامعه بودند؛ از مبارزات انقلابی و حضور در میدان عمل در حوزه سیاست‌ها و فعالیت‌های مبارزاتی گرفته تا حضور در جبهه‌های حق علیه باطل؛ و چه فرماندهانی در دوران دفاع مقدس حضور داشتند که در همان دوران جوانی مسئولیت خطیر رهبری حوزه‌های دفاعی را در صفوف جبهه‌های حق علیه باطل بر عهده داشتند و حاصل آن، هشت سال مقاومت و درنهایت پیروزی بر ستمگران بود. اینها نمونه‌های کوچکی از اعتماد به جوان‌ها در حوزه‌های مسئولیتی است؛ اما با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، کسانی که خود در زمان مسئولیت جوان بودند، در حال حاضر ارائه مسئولیت به جوانان را نمی‌پسندند؛ اما واقعیت امروز جامعه و جهان کنونی

نیازمند به علوم جوانان و استفاده از جوانان متخصص و مجرب در تمام زمینه‌هاست. جوانانی که خود را متعلق به این مرز و بوم می‌دانند و برای کشور و آرمان‌های انقلاب اسلامی دغدغه‌مندند. امروز اگر در مسائل حوزه‌های دفاعی کشور، از جمله حوزه‌های موشکی و پهپادی، مسائل پزشکی و پیراپزشکی با استفاده از صنعت هسته‌ای رادیواکتیو پیشرفت کرده‌ایم، حاصل اعتماد به جوان‌هاست. پیشرفت در مسائل راهبردی حوزه‌های مدیریتی و همچنین پیشرفت در حوزه‌های الکترونیک و فناوری اطلاعات، هوشمندسازی تمام پروژه‌های فناورانه، پیشرفت در زمینه توسعه، عمران و آبادانی، پیشرفت در حوزه‌های صنعت دریایی، ساخت زیردریایی‌های گردشگری و دفاعی تا ساخت کشتی‌های باری، بنادر دریایی، جزیره‌های مصنوعی و... همه نشانی از اعتماد به جوان‌هاست. در حال حاضر، همین جوانان که خود ظرفیت‌آفرین و محرک در پیشبرد اهداف کشورند و در راستای خدمت‌رسانی گام برداشته‌اند، مورد استفاده کلیدی و راهبردی قرار نمی‌گیرند؛ جوانانی که با اتکا به علم و فناوری، با شور و اشتیاق جوانی و برای رسیدن به اهداف کشور خدمت‌رسانی می‌کنند. گویی استفاده از آنان در مدیریت ارزش، دانش و مدیریت تعالی، صرفاً برای دروس دانشگاهی است و در عمل برای ایجاد شغلی درخور جوانان، استفاده از پیشکسوتان را ترجیح می‌دهند و انتقال تجارب به جوانان و جانشین‌پروری و شایسته‌سالاری و استفاده از خردسالاری دینی، به‌طور کامل به‌فراموشی سپرده شده است؛ اما مهم‌ترین ظرفیت کشور، نیروهای جوان مستعد کاربلد و کارآمد با بنیان‌های اصیل ایرانی و دینی و ایمانی است که نزدیک به چهارده میلیون نفر از آنها در حال حاضر جزء رتبه‌های علمی و دانش‌آموختگان برترند که استفاده از آنها در قالب‌های مختلف می‌تواند اثرگذاری را نمایان کند؛ اما در این میان، جوانانی هستند که با روحیه انقلابی و جهادی، تشکیلاتی، ضابطه‌مند و نظام‌مند رشد کرده و بنا به رشد محیطی که از دوره نوجوانی در آن قرار گرفته‌اند، می‌تواند اثرگذاری بیش‌از‌پیش را برای کشور ایجاد کنند. این دسته از افراد به‌دلیل فعالیت‌های فرهنگی و معنوی، از همان دوران کودکی از مدارس جذب فضاهای خارج از تحصیل می‌شوند و در ابعاد مختلف جامعه فعالیت ساختارمند دارند که این تجارب از کودکی و با ورود به فضاهای علمی و دانشگاهی، گروه‌ها و احزاب و تشکلات مردمی، شکل بیشتری به خود می‌گیرد و این تجارب غالباً سازنده‌اند؛ چراکه این جوانان با امکانات حداقلی و گروهی با حداقل امکانات و سختی‌ها و ناملایمت‌هایی مواجه بوده‌اند که استمرار و موفقیت در این تجارب، ایشان را صیقل داده و آبدیده می‌کند. حال اگر این تجارب توأم با کار در سازمان‌های دولتی و همراه با تحصیل و به‌روز بودن اطلاعات در ابعاد گوناگون جامعه باشد، اثری چند برابر را از خود بر جای می‌گذارد و قطعاً جوان ارزشی‌ای که برای اثبات ایده‌ها و طرح‌های خود با ناملایمات زیادی مواجه می‌شود، چنانچه از مواضع خود عقب‌نشینی نکند و عیوب خود را اصلاح کند و از تجارب دیگران با جناح‌های مختلف فکری آشنا باشد و آنها را مورد مطالعه قرار دهد و از خوبی‌ها استفاده و از بدی‌ها حذر کند و پیشوا و الگوی خود را دولت عدل علوی و مهدوی قرار دهد، قطعاً آماده خدمت در راستای دولت تراز انقلاب اسلامی خواهد بود.

۲. روش پژوهش

مطالعه حاضر یک پژوهش توصیفی - کیفی بود. روش پژوهش در این تحقیق، از نوع پیمایش تحلیل محتوای جهت‌دار کلیدواژه‌های جوان‌گرایی و تمدن اسلامی و با تجزیه و تحلیل یافته‌ها می‌باشد.

۳. یافته‌ها

در متن بیانیه هجده بار لفظ جوانان تکرار شده که نشان‌دهنده نگاه ویژه مقام معظم رهبری به نسل جوان است. با بررسی فرامین رهبری در متن بیانیه دوم انقلاب، نتایج ذیل حاصل می‌شود:

۳-۱. بیان الزام‌های مربوط به آینده انقلاب اسلامی

برخی از الزاماتی که برای آینده انقلاب ضروری است، عبارت‌اند از: استفاده از ظرفیت‌های مختلف کشور، چه ظرفیت مادی و چه ظرفیت نیروی انسانی و استفاده از حضور جوانان در عرصه‌های گوناگون. در ابتدای انقلاب شاهد بودیم که جوانان چقدر فعال بودند و الآن هم می‌توانیم بر این امر تأکید کنیم و نگاه انقلابی و عمل جهادی داشته باشیم و از وجود نیروهای جوان در این کشور بهره‌مند شویم.

۳-۲. محورهای جوان‌گرایی

شعارهای انقلاب اسلامی شعارهای جهانی و فطری درخشان و همیشه زنده است. بنابراین، این ظرفیت برخاسته از اسلام در انقلاب اسلامی وجود دارد که جهانیان را به سمت این شعارهای بین‌المللی مطرح‌شده در بیانیه گام دوم هدایت کند؛ البته با محوریت نسل جوان. از این رو برنامه‌هایی که مقام معظم رهبری به جوانان اروپایی می‌دهند، باید در این بعد معنا شود. در آن شش توصیه‌ای که ایشان دارند، بحث استقلال و آزادی و حتی بحث سبک زندگی، بعد روابط بین‌الملل دارند؛ چون مواجهه با سبک زندگی غربی را برجسته کردند که یکی از بخش‌های تعارض فرهنگ اسلامی با غرب، سبک زندگی است.

۳-۳. چالش‌های استفاده از جوانان

جوانان انقلابی مؤمن و متعهد با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون رشادت، شهامت، روحیه مبارزاتی، صبوری، ایستادگی در مقابل فراز و نشیب‌های مختلف، انگیزه‌مندی و پارسایی، جوان‌هایی بی‌نظیر و بی‌مثال‌اند. کم نیستند جوان‌هایی که با اتکا به تجارب دیگران و اندوخته‌های خود می‌توانند تبلور مدیریتی باشند که مورد تأیید و توجه رهبری و شایسته دستگاه‌های دولتی و حکومتی است. مهم‌ترین موضوع در زمینه جوان‌گرایی و اعتماد به جوان‌ها، دغدغه‌مندی دلسوزان واقعی و مدیران جهادی‌ای همچون چمران است؛ چراکه ایران اسلامی عزیز خرمشهرها را در پیش دارد. اعتماد و ایجاد ظرفیت و قرار دادن بستری برای عرض‌اندام و ارائه الگوهای مدیریتی جوانان، خود نکته‌ای است که باید مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد؛ چراکه اجازه نمایان

ساختن ظرفیت‌ها و الگوهای خردسالاری و مدیریتی جوانان نیازمند مشاهده و حصول نتیجه، هم در سازمان و هم بیرون از سازمان، است.

مسئله دیگر مسئلهٔ محافظه‌کاری و عدم اعتماد به جوان‌ها و عدم قبول ظرفیت‌هاست. عده‌ای معتقدند که مسائل سیاسی - اجتماعی و مسائل کلان و مهم کشوری مسائلی هستند که در این شرایط جامعه نمی‌توان آنها را به جوانان ارائه کرد؛ اما در اینجا برای مخاطبان و جوان‌هایی که در این حوزه وقت و انرژی و زمان زیادی را گذرانده و غالباً تمام ظرفیت‌ها، اعم از ارتباطات، نوع تحصیل، روابط اجتماعی، رشتهٔ تحصیلی، فعالیت‌های اجتماعی و حتی تخصصی خود را در حوزهٔ مطالعات اداری یا حضور در میدانی اجرایی زیرسازی کرده و سالیان طولانی یا کم در این نوع جمع‌ها حضور داشته‌اند و بعضاً جمع‌آوری تجارب شخصی و الگوگیری از الگوهای موفق را سرلوحهٔ خود قرار داده‌اند و با ذره‌ای اعتماد، حرفی برای گفتن و ارائهٔ الگوی موفق در تراز اجرایی مجموعه داشته‌اند، این سؤال مطرح می‌شود: آیا همین جوان‌هایی که در اوایل انقلاب و در تغییر و تحولات آن روزگار دست داشته‌اند، چقدر از پیش‌های سیاسی و حکومت‌داری برخوردار بودند؟ مگر نه آنکه با اتکا به خداوند متعال و خرد جمعی، تاکنون سه دهه از انقلاب را پشت سر قرار داده‌اند؟ آیا حساسیت اولیه انقلاب و جنگ تحمیلی مهم‌تر و مسئله حفظ تمامیت عرضی مطرح نبوده؟ مگر نه اینکه همین جوان‌ها از این موانع گذشتند و جشن چهل‌سالگی انقلاب را برپا کردند؟ اینها همان جوان‌هایی هستند که در دوران ابتدایی حکومت اسلامی به‌اجماع رسیدند و هر کدام باری از مسئولیت‌های کشور را بر دوش گرفتند.

امروز مسئلهٔ اتکا به جوان‌ها و اعتماد به آنها، با توجه به حساسیت‌های موجود در کشور، نیازمند مدیریت پلکانی و اعتماد و ایجاد ظرفیت به‌صورت پله‌ای، مورد توقع و توجه است؛ چراکه با حمایت‌های مدیران باسابقه و انقلابی و استفاده از تجربیات و رهنمودهای آنها، اعم از حمایت‌های مادی، معنوی و تشکیلاتی است که مدیران جوان می‌توانند از مسائل مختلف کشور عبور کنند و به نتیجهٔ موفق و مطلوب در راستای حکومت مهدوی برسند.

۳-۴. راهکارهای گذر از چالش‌ها با تأکید بر جوان‌گرایی

نظریهٔ نظام انقلابی رهبر معظم انقلاب، مکمل بحث مدیریت جهادی است. کلیدواژه‌های ایشان عبارت‌اند از: آرمان‌های انقلابی، انقلابیون اسلامی، حسنه‌ای برای مدیران جهادی و با‌اخلاص جبهه‌های گوناگون، اردوهای جهادی و بسیج سازندگی. اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی نبود، بسیاری از مشکلات کنونی نیز پیش نمی‌آمد. ایشان در زمینهٔ ارائهٔ راهکارها، استفاده از مدیران جوان، برخورداری از نگاه و روحیهٔ انقلابی و انجام عمل جهادی را مطرح می‌کنند. همچنین به جوانان توصیه می‌فرمایند که نقطهٔ عطف حرکت آینده، همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی است. در بحث علم و فناوری از جوانان می‌خواهند که شتاب علمی داشته باشند و این مسیر را باحساس مسئولیت بیشتر، همچون یک جهاد، در پیش گیرند. در بحث اخلاق و معنویت نیز شعور معنوی و وجدان اخلاقی را بی‌نیاز از جهاد و تلاش نمی‌دانند. از نظر ایشان، این مبارزه به

انسان‌های باایمان و جهادگر نیاز دارد. در ادامه، بخش‌هایی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی را شجاعت و حکمت مدیران جهادی بیان می‌کنند. پس ایشان موفقیت‌های گذشته را بر محور این کلیدواژه تحلیل می‌کنند و حرکت آینده را نیز ترسیم می‌نمایند.

۳-۵. احیای تمدن اسلامی با رویکرد جوان‌گرایی

شاخص‌های تمدن جدید در ادبیات مقام معظم رهبری و در ادبیات امام راحل و علمایی که به‌گونه‌ای اندیشه‌هایشان از این فرایند و خیزش برگرفته از میراث فکری، وحیانی، دینی پشتیبانی می‌کند، مسلماً معنویت ما مسلمانان باید الگو باشد و ما درست است که نمی‌توانیم و نباید هم تجربه زیستن تمدن‌های دیگر را مورد بی‌توجهی قرار دهیم و باید آنها را بخوانیم و دقت کنیم و از تجربیات انسانی در تمدن‌های دیگر، حتی تمدن غرب، به‌درستی استفاده کنیم، اما سرانجام آنجایی که می‌خواهیم آجرهای تمدنی خود را بچینیم، باید براساس مبانی فکری و ارزش‌های دینی، انسانی و اسلامی بچینیم و به‌نظر می‌رسد که اینجا شاخص‌های تمدن اسلامی در بسیاری از موارد متعددی متفاوت با شاخص‌های تمدنی غرب مدرن خواهد بود.

ویژگی بارز بیانیه گام دوم، اجازه گشودن فصلی جدید در تمدن اسلامی، پس از نظام‌سازی، یعنی ورود به مرحله تمدن‌سازی است. در نتیجه، اجازه ساختار شکنی در برخی حوزه‌ها و ایجاد ساختارهای جدید با تکیه بر همان مبانی و ارزش‌ها را می‌دهد که با نگاه نسل جدید و با درک واقعیت‌های نسل جدید همراه است و از کلیدواژه‌های آینده، امید، انگیزه، حرکت و جوانی لبریز است.

۳-۶. نقش جوانان در الگوی تمدن اسلامی مدنظر رهبری

انسان معنوی که در تمدن اسلامی در حال رشد است، بسیار متفاوت با انسان سکولار یا عرفی‌شده یا دنیوی‌شده‌ای است که در دنیای غرب بر روی آن تمرکز انجام می‌گیرد و اسم آن اومانیزم گذاشته می‌شود؛ و اگر بخواهیم عدالت را محور قرار دهیم، عدالتی که در گفتمان اسلامی اتفاق می‌افتد، بسیار متفاوت با عدالت کاپیتالیستی یا عدالت لیبرال در دنیای غرب خواهد بود و با ارزش‌های اخلاقی‌ای که نظم مناسبات انسانی را رقم می‌زند، صرفاً براساس نظم حقوقی و قانونی نخواهد بود؛ بلکه براساس تأکیدات و نظم اخلاقی و معنوی خواهد بود.

ما انبوهی از شاخص‌های متعددی داریم که آن شاخص‌ها بیشتر در حوزه ارزش‌ها، جهان‌بینی‌ها و مفهوم و معنای انسان و مفهوم و معنای آن زندگی‌ای است که ما درباره آن می‌اندیشیم و در درون آن عمرمان را سپری می‌کنیم و الگوی بسیار متفاوتی خواهد داشت. آنچه در ایران امروز در حال رخ دادن است، به تدریج به این سمت در پیش است که ادبیات بومی و دینی خود را در ترسیم تمدنی متفاوت پیش می‌بریم و به‌نظر می‌رسد که گام اول را در حوزه ادبیات تمدنی در ایران برداشته‌ایم. به‌نظر می‌رسد که در شکل‌گیری و صورت‌بندی تمدن نمی‌توانیم از آحاد مردم غافل باشیم و این‌گونه نیست که مدیران بتوانند تمدنی را خلق

کنند؛ بلکه این توده‌هایند که عملاً در شکل‌بندی تمدن نقش‌آفرینی می‌کنند و نمی‌توانیم در شکل‌بندی تمدنی خود، نسل کودکان را فراموش کنیم. امروزه در مباحث تمدنی و گاهی اوقات در عملیات تمدنی به‌عنوان مثال، کودکان نسل فراموش‌شده ما هستند و ما باید اینها را دریابیم تا بتوانیم در آینده از ظرفیت‌های امت‌سازی استفاده کنیم. تأکید مقام معظم رهبری بر نسل جوان، از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که اساساً نسل جوان شور و شوق، انرژی و حرارت، نیرو و هیجان، و شادابی لازم را برای حرکت‌های شتابنده دارد و ما به این شتاب در حرکت نیاز داریم و نمی‌توانیم نرم‌افزار تمدنی خود را بر یک ویندوز بسیار کندی قرار دهیم؛ بلکه ویندوز تمدنی ما باید بسیار چابک و سریع باشد تا در برابر حوادث تمدنی یا آنجایی که مواجهه‌های تمدنی با دیگران داریم، بتوانند واکنش‌های بموقع از خود نشان دهد.

نکته دیگری که باید در نسل جوان دنبال کنیم، بحث مسئله‌های جدید و به‌روزی است که عموماً نسل جوان ما بهتر می‌تواند آن را درک کند و به‌سمت تفسیر و تدبیر آن حرکت نماید. البته این بدان معنا نیست که اساتید، بزرگان و علمایی که در زمینه اندیشه اسلامی، تمدنی، اجتماعی و سیاسی صاحب‌فکرند و ظرفیت‌های بی‌بدیل و یک عمر تجربه ایشان را نبینیم؛ مسلماً باید اینها لحاظ شود و در جای خود مورد استفاده قرار گیرد؛ اما پویایی نسل جوان و آشنایی آنها با اقتضائات زمانی و زمینی را قاعداً باید مورد توجه و تأکید قرار داد. در نگرش تمدنی مقام معظم رهبری و دیگر بزرگانی که در حوزه تمدن اسلامی تفکر می‌کنند، بحث اصلی، تربیت انسان تراز است و رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بر روی تربیت انسان تراز تأکید می‌کنند. اساساً تمدن‌شناسان امروز روی این بحث تأکید می‌کنند که جوهر تمدن بر روی تربیت می‌چرخد و اگر بتوان انسان‌های بزرگی را تربیت کرد، به‌آسانی می‌توان تحولات تمدنی را رقم زد. نمونه‌های آن را در شخصیت‌هایی مثل شهید سلیمانی می‌توان مشاهده کرد. نظام تربیتی ما هر مقدار بتواند به‌سمت تربیت انسان‌های تراز و بزرگ برود، بالطبع بهتر می‌توان در فرایند تمدنی خود موفق‌تر بود.

بحث و نتیجه‌گیری

درباره انقلاب اسلامی ملت ایران و چپستی و چرایی آن بسیار گفته‌اند. در این میان آنچه کمتر از نگاه تحلیلگران و صاحب‌نظران پنهان مانده است، فرازوی رهبران و رهپویان این نهضت عظیم انسانی، از خواسته‌های مرسوم و متعارف در دیگر نهضت‌ها و تلاطم‌های اجتماعی شناخته‌شده در دیگر جوامع و سرزمین‌هاست. آنچه با عنوان شعارها و فریادهای انقلابی فراز آمد و جان‌ها و اندیشه‌ها را نواخت، بانگ ایمان‌گرایی، اسلام‌خواهی، حق‌جویی، عدالت‌طلبی، استقلال‌طلبی و رهایی یک ملت از چنگال استبداد و استعمار بود. از این‌رو این انقلاب، هویتی فرهنگی و وجهی معنوی و ایمانی دارد و نظام سیاسی برآمده از آن بر شالوده این گفتمان و رسالت ارزشی و ایمانی استوار شده است. کامیابی و توفیق میراث سیاسی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی^ع، در گرو نگاه‌داشت و

پایداری گفتمان انقلاب در ساحت اندیشه و باور جامعه و تحقق عینی و عملی اصول و ارکان این گفتمان در عرصه‌های مختلف حیات جمعی ملت ایران است.

صدور بیانیه گام دوم توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی، *آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*، در بهمن ۱۳۹۷ و چهلمین سال پیروزی انقلاب، به سبب آنکه در بردارنده تحلیلی منصفانه و همه‌سویانگر درباره فراز و فرودها و چالش‌های انقلاب و نظام اسلامی مردم ایران در چهار دهه نخست است، فرصت مناسبی پیش روی ارباب اندیشه و فکر جهت بازاندیشی و تأمل در تجارب و دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌گشاید و به سبب آنکه این بیانیه در بردارنده توصیه‌های راهبردی در جهت بالندگی و پیشرفت نظام و جامعه اسلامی ماست، همه نیروهای متعهد و نهادهای تأثیرگذار حاکمیتی و غیرحاکمیتی را به این امر فرامی‌خواند که در چگونگی تحقق این توصیه‌ها اندیشه کنند؛ مواع و کاستی‌ها را بشناسند؛ فرهنگتگی و حرکت جهادی خود را آشکار سازند و نسبت و نقش خود را با محورها و توصیه‌های ناظر به آینده انقلاب اسلامی تعریف کنند.

هدف غایی در برقراری تمدن نوین اسلامی، تحقق رسالت دینی، فرهنگی، انسانی و اسلامی در راستای فراهم آوردن زندگانی پاکیزه‌تر و حرکت به سوی حیات طیبه با بهره‌مندی از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی انسان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است؛ حیاتی که در آن، خردورزی، اخلاق، معنویت، انسان دوستی و روابط اجتماعی دین‌مدار و اخلاق‌مدار حاکم باشد (خسروانی و عین‌القداتی، ۱۳۹۷). جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه در عرصه‌های گوناگون فکری، فرهنگی، اقتصادی، علمی و رسانه‌ای و همچنین جوان‌گرایی، از جمله راهبردهای مهم تحقق نهاد تمدن‌ساز است که این راهبردها با نتایج پژوهش‌های آقای سرپرست *سادات* (۱۳۹۷) و *خزاعی* و همکاران (۱۳۹۶) همراه است. امینی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین نظریه مسئولیت اجتماعی جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر حکمرانی خوب» به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی جوانان در پنج بعد «اقتصادی»، «اجتماعی - سیاسی»، «قانونی»، «معنوی - اخلاقی» و «نوع‌دوستی»، و حکمرانی خوب در پنج بعد «مشارکت اقتصادی»، «استقلال و آزادی»، «عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد»، «حاکمیت قانون» و «کارایی و اثربخشی دولت» قرار گرفت. جوانان و نخبگان و سرآمدان در هر کشوری، از جمله ایران، زمینه‌ساز رشد و توسعه‌اند؛ به همین دلیل، نهادهای مختلف جامعه سال‌ها تلاش کرده‌اند که نخبگان جوان ایرانی در کشور بمانند و در توسعه علمی کشور نقش‌آفرینی کنند. نقش اندیشه و جوانان در تکامل تمدن‌ها بدین گونه تحلیل می‌شود که با توجه به فرصت طلایی جوان بودن جمعیت کشور، در صورت استفاده از این ظرفیت جوان و ورود تفکرات نوین (توانمندی‌های فکری و اجرایی) به سطح کشور، شاهد پیشرفت و رشد (تعالی) جامعه خواهیم بود؛ اما استفاده از این ظرفیت، نیازمند تغییر سیاست‌های مدیران و توجه آنها به جوانان است. نخبگان با احساس مسئولیت در قبال کشور و ملت، در عرصه کاری، تلاش و فداکاری می‌کنند؛ چراکه بدون علاقه به آینده، نمی‌توانند در جامعه خود، تأثیری واقعی و راهگشا داشته باشند؛ به طوری که

می‌توان خروجی‌های نخبگان را معلول مسئولیت‌پذیری، علاقه و دلبستگی به توسعه کشور دانست (سالاری سرداری و سیدشمالی، ۱۳۹۸).

با مرور بحث‌های انجام‌شده در این نوشتار، نکات زیر قابل استنتاج است:

- هر کجا کشورها و دولت‌ها به جوانان خود اعتماد کرده‌اند، حتماً این اعتماد باعث سربلندی آن جامعه و کشور شده است؛

- با گذشت چهل سال از انقلاب اسلامی، کسانی که خود در زمان مسئولیت جوان بودند، در حال حاضر ارائه مسئولیت به جوانان را مورد پسند نمی‌دانند و این مسئله جای تأمل و تفکر دارد؛

- پیشرفت در حوزه‌های پزشکی، الکترونیک و عمران و آبادی، حاصل اعتماد به جوانان و نخبگان است؛

- دانشجویان دوره‌های نظری، دانش و علم را با هزینه‌های فراوان سپری می‌کنند؛ ولی در هنگام بهره‌وری و استفاده از نیروی جوان و تحصیل کرده، این افراد به‌فراموشی سپرده می‌شوند و فرصت عمل و مدیریت به آنها داده نمی‌شود؛

- تمدن نوین اسلامی، تمدنی حاصل از جمع نژادها و گروه‌های مختلف با شرایط اقلیمی و فرهنگی خاص خود در جهت احیا و بازسازی و بازآفرینی تمدن امت اسلامی است که با الگو گرفتن از تجربه‌های تمدن پرشکوه اسلامی در گذشته تاریخ و نیز درس عبرت گرفتن از علل و عواملی که باعث انحطاط آن تمدن‌ها شدند، می‌تواند رسالت دینی، اخلاقی و تعالی را برای مسلمانان به‌ارمغان آورد و زندگی خوب و آرامی برای آنها رقم بزند. پیشرفت همه‌جانبه و تعالی در همه عرصه‌ها و جنبه‌های زندگی مادی و معنوی، ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی است؛

- نوسازی، جوان‌سازی و کارآمدسازی تمدن نوین اسلامی، به‌صورت پیوسته دنبال می‌شود و با شناسایی جوانان دانشمند، خلاق و بااستعداد و آینده‌نگر، درصدد جذب آنها به‌عنوان اعضای هیئت علمی و مدیران آینده است.

پیشنهادهای محدودیت‌ها

در گذر تاریخ، مهم‌ترین عامل ترقی یک کشور و حکومت و آرمان‌های آن، منابع انسانی و استفاده از نیروی جوان و نخبه آن بوده است. با توجه به بیانات بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه السلام و اهمیت ایشان به نسل جوان، در زمان وقوع انقلاب اسلامی و همچنین در دوران هشت‌ساله دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، شاهد شگفتی‌سازی‌های این جوانان در کشور اسلامی مان بوده‌ایم و پیشرفت‌های حاصل‌شده در حوزه‌های مهم پزشکی، موشکی، هوشمندسازی، الکترونیک، صنعت و عمران و... مدیون تلاش و همت آنها بوده است. بیانیه گام دوم، یک تصویرسازی کلی درباره مسائل اصلی انقلاب است. مقام معظم رهبری در چهل‌سالگی انقلاب در مقام تبیین برآمدن و اقدام به صدور این بیانیه نمودند تا با ارائه فکر و استدلال‌های روشن درباره کارآمدی نظام و ارائه برنامه آینده انقلاب و با تأکید ویژه بر جوانان و نخبگان، علاوه بر پیشگیری از بروز اختلال در دستگاه‌ها، زمینه پیشرفت، توسعه و تعالی امت اسلامی در زمینه‌های مادی و معنوی، و به‌دنبال آن، احیا، بازسازی و بازآفرینی تمدن نوین اسلامی را فراهم سازد.

منابع

- ابراهیمی کیایی، هادی و یحیی بوزدیری نژاد، ۱۳۹۰، «نقش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در احیای تمدن اسلامی براساس بیانیه گام دوم انقلاب»، *بصیرت و تربیت اسلامی*، دوره هجدهم، ش ۵۶، ص ۱۱۲-۹۱.
- بهمنی، م.ر، ۱۳۹۳، «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، *تقد و نظر* (فلسفه و کلام)، ش ۲، ص ۵.
- تاجبخش، ع، ۱۳۸۱، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه*، شیراز، نوید شیراز.
- التواجری، ع. او، ۱۳۸۶، *راهبرد فرهنگی برای جهان اسلام (با اصلاح و تصویب چهارمین کنفرانس اسلامی وزیران فرهنگ)*، تهران، انتشارات سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷، *بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به مردم ایران*، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- خرمشاده، م. و ع آدمی، ۱۳۹۷، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدنی؛ دانشگاه ایران، دانشگاه تمدن‌ساز»، *پژوهشی فرهنگی*، ش ۶ ص ۱۸۱-۱۶۱.
- خسروانی، ع. و ص عین‌القدری، ۱۳۹۷، «نقش علم در روند تمدن نوین اسلامی از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)»، *دانش پلیس مرکزی*، ش ۲۶، ص ۸۹-۱۰۴.
- رجبی دوانی، م. و ع خزایی، ۱۳۹۳، «تمدن نوین اسلامی مؤلفه مؤثر بر ساختار داخلی جمهوری اسلامی ایران»، در: *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*.
- رحمانی، م، ۱۳۹۵، «نقش و جایگاه نیروهای مسلح در تحقق دولت اسلامی براساس نظام فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)»، *بینش و معارف اسلامی*، ش ۴۰، ص ۶۷-۳۷.
- زرین کوب، ع. ح، ۱۳۷۶، *کارنامه اسلام*، تهران، امیرکبیر.
- سالاری سرداری، ف و س سیدشمالی، ۱۳۹۸، «تحلیل تأثیر جوانان و نخبگان در تمدن نوین اسلامی براساس الگوی حکمرانی اسلامی»، *پژوهش پیشرفت و تعالی*، ش ۲، ص ۱-۳.
- گودرزی، گ، ۱۳۹۳، «مدل‌سازی ویژگی‌های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن بنیادی؛ برداشتی از روش‌شناسی سیستم‌های نرم SSM»، *مشرق موعود*، ش ۳۴، ص ۵.
- لطف‌آبادی، ح، ۱۳۷۸، *روانشناسی کودک*، تهران، سمت.